

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن - با گرد هم آیی و تظاهرات، ۸ مارس را به روز نبردی بزرگ، علیه تبعیض و نابرابری تبدیل کنیم

زنان ستم‌دیده و مبارز! ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن فرارسیده است.

امسال، ۸ مارس روز جهانی زن در شرایطی فرارسیده است که نقش برجسته مبارزه زنان ایران بر تارک مبارزات سال ۱۴۰۱ می‌درخشد. در تاریخ مبارزات مردم ایران به حق باید این سال را سال درخشش بی‌همتای زنان در مبارزه برای برابری نام نهاد.



این زنان بودند که در پی قتل مهسا (ژینا) امینی توسط آدمکشان جمهوری اسلامی، آغازگرموج نوینی از توفان سیاسی در ایران شدند که چهار ماه سراسر ایران را فراگرفت و هم‌اکنون نیز در اشکالی دیگر ادامه دارد.

عصر روز جمعه ۲۵ شهریور بود که گروهی از زنان مبارز، در اعتراض به قتل مهسا توسط جنایتکاران حاکم بر ایران، در مقابل بیمارستان کسرای تهران تجمع اعتراضی برپا کردند و با سردادن شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "می‌کنشم، کسی که خواهرم کشت" نفرت و انزجار خود را از رژیم زن‌ستیز آدمکشی که چهل و چهار سال زنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محروم کرده است، با صدای بلند فریاد زدند. خشم نهفته در میان زنان و توده‌های ستم‌دیده مردم ایران از ظلم و ستم بی‌کران رژیم حاکم بر ایران، منفجر شد. فردای آن روز، حضور هزاران تن از مردم سقز در جریان مراسم خاک‌سپاری مهسا، با شعار "زن، زبان، آزادی" مهر برابری زنان را بر جنبشی که آغاز شده بود، کوید و آن را به جنبشی توده‌ای در سراسر ایران تبدیل کرد. زنان در تمام شهرها در نقش سازمان دهندگان و رهبران این جنبش بزرگ ظاهر شدند و شعارهای «از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان»، «زن، زندگی، آزادی» به شعارهای همگانی تبدیل شد.

این نقش زنان در مبارزه، نقطه اوج مبارزات زنان به‌ویژه در جنبش‌هایی است که از سال ۹۶ آغاز شده است. در تمام اشکال مبارزه‌ای که در این چند سال در جریان بوده است، از مبارزات اقتصادی و سیاسی خیابانی معلمان، بازنشستگان، کارگران، دانشجویان، پرستاران، تا قیام آبان ماه سال ۹۸، زنان نه فقط نقشی فعال، بلکه در بسیاری موارد رهبری کننده را بر عهده داشته‌اند. این نقش، چنان برجسته بوده است که مرتجعین نیز به آن اعتراف کرده‌اند. برای نخستین بار آنها از "نقش چشمگیر ویژه زنان در لیدری" و در "میان‌داری و میدان‌داری ویژه" در مبارزات، سخن گفتند.

گرچه جنبش زنان ایران علیه تبعیض، ستم و نابرابری در تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی در اشکال مختلف ادامه داشته، اما نقش زنان در جنبش اخیر از دو جهت برجسته بود. نخست این‌که پس از مبارزات بزرگ زنان در اسفند سال ۵۷، زنان در یک جنبش توده‌ای بزرگ مستقیماً علیه تبعیض، ستم و نابرابری قیام کردند. شعار از "از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان" "زن، زندگی، آزادی" "مرگ بر دیکتاتور" شعارهای برجسته و محوری این جنبش بود. زنان در جریان این نبرد، قهرمانانه با مزدوران آدمکش رژیم جنگیدند و حماسه آفریدند. در تمام تظاهرات توده‌ای، سنگربندی‌های خیابانی و زدوخورد با مزدوران رژیم، تجمع‌ها، اعتصابات و تظاهرات دانشجویی، در پیشاپیش جنبش ایستادند و مبارزه کردند.

در جریان این مبارزات، هزاران زن به اسارت دشمن زن‌ستیز درآمدند و زیر شکنجه‌های وحشیانه به بند کشیده شدند. حدود ۴۰ تن از زنان در جریان این مبارزات، در نبردی رویاروی با دشمن، یا در اسارت به قتل رسیدند. زنان در این مبارزات نشان دادند که دریافته‌اند بدون سرنگونی جمهوری اسلامی، بدون جدائی کامل دین از دولت و بدون تحولات اساسی و رادیکال در جامعه ایران، تحقق خواسته‌های برابری‌طلبانه آنها ممکن نیست. آنها مستقیماً سرنگونی رژیم را هدف قرار دادند.

حضور گسترده و نقش برجسته زنان در جنبش اخیر از جهات مختلف اثرگذار بود. این نقش، محرک بزرگی برای حضور میلیونی مردم سراسر کشور و ادامه مبارزه در طول چندین ماه بود. نقش و حضور برجسته زنان در این جنبش، نه فقط یکی از عوامل مهم در گسترش سراسری جنبش در تمام شهرهای کشور، بلکه حتی پیوستن برخی لایه‌های اجتماعی جدید به جنبش، از نمونه پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، روزنامه‌نگاران و ... بود.

برجسته بودن حضور زنان و نقش‌آفرینی آن‌ها در این مبارزه، انعکاس بین‌المللی گسترده‌ای داشت و ضربه سیاسی بزرگی به رژیم وارد کرد. حمایت وسیع مردم کشورهای سراسر جهان از این جنبش، حتی دولت‌های آن‌ها را که سابقه ننگینی در حمایت از این رژیم جنایتکار داشته و دارند، وادار به واکنش و محکومیت سرکوب‌ها کرد، تا جایی که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک رژیم زن‌ستیز از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج کردند. این جنبش شکاف‌های درونی طبقه حاکم را نیز عمیق‌تر کرد. اکنون دیگر کم نیستند افراد و گروه‌هایی حتی از درون طبقه حاکم که به‌صراحت عنوان می‌کنند ادامه حیات جمهوری اسلامی دیگر به شیوه گذشته ممکن نیست.

زنان در جریان این مبارزه بی‌توجه به قوانین و مقررات ارتجاعی اسلامی، در ابعادی توده‌ای حجاب اجباری را به دور افکندند، آن را به آتش کشیدند، و به گرد آن رقصیدند و شادی کردند. این رویدادی چنان بااهمیت بود که باید آن را یک زلزله سیاسی در خاورمیانه اسلامی نام نهاد. چراکه در واقع به آتش کشیدن یکی از مقدسات ارتجاع اسلامی نه فقط در ایران بلکه در تمام منطقه خاورمیانه این کانون اسلام‌گرایی قرون‌وسطایی بود. وسعت و فراگیری نفی حجاب در جریان این مبارزه، به درجه‌ای بود که به‌رغم فروکش نسبی جنبش، ارتجاع حاکم تا به امروز نتوانسته، شرایط سابق را احیا کند و البته به‌رغم تمام تلاش‌های مذبحانه، نخواهد توانست.

نقش زنان در این مرحله از مبارزه باعث گردید که کلیت جنبش علیه نظم حاکم به مرحله‌ای بسیار فراتر از تمام مراحل جنبش ارتقاء یابد و روند سرنگونی جمهوری اسلامی تسریع شود.

در بطن این دلاوری جنبش زنان و تمام حماسه‌آفرینی آن است که اکنون روز جهانی زن فرارسیده است. روزی که زنان در سراسر جهان با برپائی تجمع‌ها، راهپیمائی‌ها و تظاهرات علیه تبعیض و ستم جنسیتی به پا می‌خیزند و مطالبات خود را مطرح می‌کنند.

بنابراین ۸ مارس فرصت مناسب دیگری است که زنان در ایران با تکیه به تجربه مبارزاتی چندین ماه گذشته، بار دیگر به تعرض جدیدی علیه ارتجاع زن‌ستیز روی آورند و با گرد هم‌آیی‌ها و تظاهرات در خیابان‌ها و سردادن شعارها و مطالباتی که انعکاس تمام خواسته‌های زنان علیه تبعیض، نابرابری و ستم است، ضربه دیگری بر پیکر پوسیده ارتجاع حاکم بر ایران وارد آورند.

سازمان فدائیان(اقلیت) فرارسیدن روز جهانی زن را به زنان مبارز و ستم‌دیده ایران تبریک می‌گوید و زنان را به برپائی تجمع‌ها و تظاهرات خیابانی بدون روسری، در ۸ مارس فرامی‌خواند.

سازمان فدائیان(اقلیت) به‌عنوان سازمانی که برای استقرار سوسیالیسم در ایران مبارزه می‌کند و هدف فوری خود را برپائی یک حکومت شورایی و حاکمیت توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده مردم ایران بر سرنوشت خود قرار داده است، خواستار اجرای بی‌درنگ مطالبات زیر برای لغو تبعیض، ستم و نابرابری جنسیتی است.

-لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

-برخورداری آزاد و برابر زنان از امکان مشارکت در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دسترسی به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح.

-برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان درازای کار مساوی.

- لغو تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک‌جانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار.

- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن. برخورداری زنان از آزادی انتخاب پوشش.

- برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد.

- ممنوعیت هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده و اعمال مجازات شدید در مورد نقض آنها.

- ممنوعیت ازدواج کودکان تا ۱۸ سال، کودک‌آزاری و اعمال مجازات شدید در مورد نقض آنها.

- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود. روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.

- به رسمیت شناخته شدن حق سقط‌جنین، بدون قید و شرط.

مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و شش ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی رایگان.

- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار. پدر و مادر یکسان می‌توانند از این تسهیلات برخوردار باشند. احتساب اوقات رسیدگی و سر زدن به نوزادان جزء ساعات کار.

این مطالبات، مجموعه‌ای از مطالبات حداقلی زنان است که خواهان تحقق فوری آنها هستند.

نابود باد ستم ، تبعیض و نابرابری علیه زنان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی